

درس اول

نفت

۱- واژه‌های «صبح - مهد - مفتاح - سائل» در گزینه‌ی به‌درستی و به‌ترتیب معنی شده‌است.

- (۱) سرخوش‌کننده‌ی معنوی - گهواره - کلید - گدا
(۲) چاشت - قبر - نذر - مزاحم
(۳) صبحگاه - هدایت - کلید - پرسنده
(۴) نیروی سرمستی - کجاوه - نذر - پیرسان

۲- معنی مقابل چند واژه، نادرست است؟

- مهرتر (بزرگ‌تر) - عذر (بهانه) - شرار (جرّقه) - قهر (غضب) - عَلم (درفش) - تحیر (نگرانی) - مُلک (فرشته) - قضا (سرنوشت) - توتیا (اکسید خالص و طبیعی مس) - صبا (باد لطیف) - نوا (آهنگ) - واگذاشتن (ترک کردن) - لَحد (قبر) - غزوه (جنگ با دشمن دین) - سیف (تابستان) - مائده (خوردنی)
(۱) چهار (۲) پنج (۳) سه (۴) شش

۳- معنای صحیح واژه‌های «فتوح - ضیا - فتی - هله» در کدام گزینه آمده‌است؟

- (۱) برتری - روشن - شادابی - آزادشدن
(۲) پیروزی - صاحب‌نور - جوان - رها
(۳) حصول‌گشایش بیش از حد انتظار - روشنی - جوانمرد - آگاه‌باش
(۴) گشایش کارها - دارایی - جوانی - شادی

۴- معنی واژه در کمانک مقابل آن نادرست معنی شده‌است.

- انصار (یاران) - زاد (وجود) - مرهم (داروی روی زخم) - عطا (بخشش) - صمد (بی‌نیاز) - ذات (توشه) - قادر (توانا) - سزا (شایسته) - هوا (عشق) - کهنتر (بزرگ‌تر) - مرحمت (مهربانی) - صمیم (میان) - همای (پرنده‌ی شکاری) - آیت (نشانه) - ماسوا (همه‌ی مخلوقات)
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۵- واژه‌های «سحاب - ارادت - صباح - بهجت - لسان» به‌ترتیب، یعنی:

- (۱) ابر - اخلاص - فردا - زیبایی - زیان
(۲) کهکشان - علاقه‌مندی - صبح - خوبی - بینایی
(۳) آسمان - عشق - بامدادان - بهشت - درخشش
(۴) ابر - دوستی - سحرگاه - شادمانی - زبان

اطلا

۶- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) جوانی با کمال ادب، به اشتر ملقب بر دختری جمیله از مهتران قبیله عاشق شد.
(۲) موش، آهن را نیک دوست دارد و دندان او بر خاییدن آن قادر باشد.
(۳) جمعیت نشان اتحاد و اتحاد نشان وداد است. تفرقه دوگانگی و دوگانگی، بیگانگی است. هر ضیاع که در شمع جمع است از جمعیت، جمع است.
(۴) عقل عمده‌ی سعادت و مفتاح حاجت است و هرکه بدان فضیلت متحلی بود و جمال حلم و ثبات بدان پیوست، سزاوار دولت و شایان عزّ و رفعت گشت.

۷- در عبارت زیر املای چند واژه نادرست است؟

«مسأله‌گفتم، اندرون من درد کرد. فرمود: آن موکلی است که نمی‌گزارد که آن را بگویی، اگرچه آن موکل را محسوس نمی‌بینی، ولیکن چون شوق و راندن و عَلم و درد می‌بینی، می‌دانی که موکلی هست، مثلاً در آبی و می‌روی، نرمی گل‌ها و ریحان‌ها به تو می‌رسد و چون طرف دیگر می‌روی، خوارها در تو می‌خَلد.»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۸- در همه‌ی عبارت‌های زیر به‌جز عبارت غلط املایی وجود دارد.

- (۱) سپاس خداوندی را که بیاراست ارواح ما را به وجود اصل و بپیراست وجود ما را به سجود وصل و در ما پوشید حله‌ی زندگی و بر ما کشید رقم بندگی.
(۲) هرگاه که او سحاب بهر در باریدن آرد و طراوت حیا و کرم بر گل رخسار مبارک او چون قطره‌های آب بر رخسار گل ظاهر گرداند، گویی که این لطیفه‌ای است که از جلوه‌ی جلال او می‌گوید.
(۳) بر سر کرسی به هرچه خواهی دعوی بکن که آن‌جا ساعل باشد، مجیب کس نبود و تو زبان فصیح کن و چنان دان که آن مجلسیان تو همه بهایم‌اند؛ چنان که خواهی همی گوی تا به سخن اندر نمایی.
(۴) می‌رفتم و بازپس می‌نگریستم و از فراغ آن خاک پاک می‌گریستم؛ در عقیده‌ی آن که چون از سفر بازرسیم، میخ‌خیمه‌ی اقامت آهنین کنم و خلوت‌خانه‌ی لحد در خاک آن زمین.

۹- متن زیر چند غلط املایی دارد؟

«چون غذا نازل گشت، به حیلَت آن را دفع نتوان کرد؛ که از عاقل بصیرت بر باید و از غافل بصر بستاند، تا نفوذ حکم در ضمن آن حاصل آید. پس برخواست و در دهلیز شد. از قضا آن جا سرای شاهک بود. آن قوم بر در سرای رسیدند و قدم در خانه نهادند. فضل را دیدند و شناختند و گفتند: این جا افتادی؟ گفت: من تیر پرتاب تقدیرم و تیر پرتاب هر جایی افتد.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۰- در گروه واژه‌های «زادالعارفین - مسجّع و لطیف - مضامین عرفانی - وقت صباح - متقیان و پرهیزکاران - قزوه‌ی اُحد - ذوالفقار علی(ع) - رشادت‌های فوق‌العاده - دل‌آزرده‌گان و نیازمندان - سرمستی و نشاط - گرداننده‌ی قضا - زبانی صمیمی و عاطفی - قرئه و نصیب - صلوات و زکات - همای رحمت - محبّت و الطاف» چند غلط املایی و رسم‌الخطی وجود دارد؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۱- در کدام عبارت غلط املایی وجود ندارد؟

(۱) نزد علما و فضلا درست و صحیح است که نور را بر ظلمت و صبح را بر شام ترجیح است، پس روی به من کرد و من بر گوشه‌ای از آن هنگام متفکر و متحیر بودم.
(۲) جوانی دیدم بلندقد، ملیح‌چهره، لطیف‌لحجت، ظریف‌بہجت، قائم در میان دو صف، نیزه‌ی خطّی به کف و تیغ هندی به کتف، ندا می‌داد.
(۳) عندلیب عشق بر درخت سمع و بصر یکسان سراید و به دام سمع و نذر یک لحظه گرفتار آید، که بادگیر سمع چون آبیگر بصر در قبول فتوح عشق، صبح است.
(۴) پادشاه کامگار آن باشد که تدبیر کارها پیش از فوت فرصت و عدم مکنت بفرماید و ضربت صیغ آبدارش خاک از زاد و بود دشمن برآرد.
۱۲- در عبارت‌های «تأجیل باید نمود تا زودتر بیاید و بهجت ما که به حیات او تازه گشته‌است، تمام گرداند و ما نیز از حجره‌ی مفارقت به کاخ مواصلت خرامیم و مثال دهیم تا مجلس خرم بیاریند. برزگر گفت: برکات کسب و میامن مجاهدت، مردم را در معرض مسرت آرد و به شادکامی آراسته گرداند و هر که عزیمت بر طلب چیزی مصمم گردانید، هر آینه برسد،» املای چند واژه نادرست است؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار



۱۳- خواجه عبدالله انصاری ملقب به از دانشمندان و عارفان قرن است. (سپش ۸)

(۱) پیر هرات، چهارم (۲) پیر انصار، پنجم (۳) شیخ الاسلام، چهارم (۴) شیخ الاسلام، پنجم

۱۴- همهی آثار مطرح‌شده در گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی از خواجه عبدالله انصاری است.

(۱) رساله‌ی دل و جان (۲) زادالمسافرین (۳) الهی‌نامه (۴) مناجات‌نامه

۱۵- جاهای خالی عبارت «سید محمد حسین بهجت، مشهور به و متوفّا به سال، از شاعران معاصر که به تجدد و نوآوری مضمون‌گرایشی محسوس دارد. وی در قالب غزل، زبانی ساده و همگانی دارد و سادگی و عمومی‌بودن زبان و تعبیر، از موجبات رواج و شهرت شعر او گردیده‌است. به گونه‌ای که شعر او برای همگان مفهوم و مأنوس و دارای حسن تأثیر است و تازگی مضمون، صور خیال، تعبیر و حتی قالب شعر، دیوان او را از بسیاری شاعران هم‌نسل او متمایز کرده‌است.» با کدام گزینه، کامل می‌شود؟ (سراسری تهرانی ۸۴)

(۱) ادیب پیشاوری - ۱۳۰۹ (۲) نسیم شمال - ۱۳۱۳ (۳) رهی - ۱۳۴۷ (۴) شهریار - ۱۳۶۷



۱۶- در کدام گزینه آرایه‌ی «جناس» وجود دارد؟ (آزمایشی سپش ۸۲)

(۱) سلام او در وقت صباح مؤمنان را صبح است.
(۲) الهی، عذر ما بپذیر؛ بر عیب‌های ما مگیر.
(۳) الهی، ترسانم از بدی خود؛ بیمارم مرا به خوبی خود.
(۴) ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.
۱۷- در عبارت «سلام او در وقت صباح مؤمنان را صبح است و ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.» کدام گروه از آرایه‌های زیر وجود دارد؟

(۱) سجع، جناس، استعاره (۲) تلمیح، تشبیه، سجع (۳) تشخیص، تشبیه، تناسب (۴) استعاره، تلمیح، کنایه

۱۸- در عبارت «الهی، در دل های ما جز تخم محبت خود مکار و بر تن و جان های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار و بر کشته های ما جز باران رحمت خود مبار» همهی آرایه ها دیده می شود، به جز آرایه های گزینیهی

- (۱) جناس، سجع (۲) استعاره، مراعات نظیر
(۳) تشبیه، تلمیح (۴) تشخیص، تمثیل

۱۹- آرایه های درج شده در برابر کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است. (تشبیه، سجع)
(۲) ای کریمی که بخشندهی عطایی و ای حکیمی که پوشندهی خطایی. (تلمیح، جناس)
(۳) الهی، چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه. (تضاد، جناس)
(۴) ترسانم از بدی خود؛ بیامرز مرا به خوبی خود. (تضاد، جناس)

۲۰- در کدام گزینه آرایهی «ترصیع» وجود دارد؟

- (۱) پیغام او مفتاح فتوح است و سلام او در وقت صباح مؤمنان را صبح است.
(۲) ای خالقی که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی.
(۳) جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده.
(۴) ای کریمی که بخشندهی عطایی و ای حکیمی که پوشندهی خطایی.

(سراسری ریاضی ۸۱)

۲۱- در همهی گزینه ها، به جز گزینیهی آرایهی «سجع» مشهود است.

- (۱) صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد.
(۲) نصیحت پادشاه کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.
(۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می کنند.
(۴) ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

(آزمایشی سنپش انسانی ۸۷)

۲۲- در کدام گزینه «سجع متوازی» به کار رفته است؟

- (۱) الهی، اگر بهشت چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو درد و داغ است.
(۲) دست از سر من بیچاره بردارید، مرا به حال خود بگذارید.
(۳) گاه از دیدن خط مکتوب منتعش (= خوشحال) و گاه از ندیدن روی مطلوب مشتعل.
(۴) مراد از نزول قرآن، تحصیل سیرت خوب است نه ترتیل صورت مکتوب.

۲۳- در کدام گزینه «سجع» وجود ندارد؟

- (۱) ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح.
(۲) آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد.
(۳) آن که از جمال عقل محجوب است، خود به نزدیک اهل بصیرت معذور باشد.
(۴) هنر چشمهی زاینده است و دولت پاینده.

(آزمایشی سنپش انسانی ۸۶)

۲۴- در کدام بیت آرایهی «ترصیع» به کار رفته است؟

- (۱) ز گرز تو خورشید گریان شود
(۲) غلام نرگس مست تو تاجداران اند
(۳) گر عزم جفا داری، سر در رخت اندازم
(۴) ما برون را ننگریم و قال را
ز تیغ تو بهرام بریان شود
خراب بادهی لعل تو هوشیاران اند
ور راه وفا گیری جان در قدمت ریزم
ما درون را بنگریم و حال را

۲۵- در بیت زیر کدام آرایه ها دیده می شود؟

«به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهدای کربلا را»

- (۱) تشبیه، مراعات نظیر، جناس (۲) جناس، کنایه، تلمیح (۳) استعاره، اغراق، تشبیه (۴) تضاد، ایهام، تناسب

(آزمایشی سنبلش ۸۹)

۲۶- شهریار کدام بیت حافظ را تضمین کرده و در شعر «همای رحمت» آورده است؟

- (۱) ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب
- (۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
- (۳) به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
- (۴) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

۲۷- آرایه‌های ذکرشده در برابر همهی گزینه‌ها تماماً درست است، به جز گزینه‌ی

- (۱) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
- (۲) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
- (۳) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
- (۴) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

۲۸- در کدام بیت همهی آرایه‌های «تضاد، تناسب، استعاره و کنایه» دیده می‌شود؟

- (۱) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
- (۲) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
- (۳) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
- (۴) مگر ای سحاب رحمت تو بباری ارنه دوزخ

۲۹- ترتیب قرارگرفتن ابیات، به لحاظ داشتن آرایه‌های «تضاد، کنایه، تشبیه و تلمیح» کدام است؟

- (الف) چو به دوست عهد بندد ز میان پاک‌بازان
- (ب) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
- (ج) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
- (د) چه زنم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم

(۱) ج، د، الف، ب (۲) ج، الف، د، ب (۳) د، الف، ب، ج (۴) د، ب، الف، ج

(آزمایشی سنبلش ۸۳)

۳۰- در کدام گزینه آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد؟

- (۱) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
- (۲) آسمان بار امانت نتوانست کشید
- (۳) دلا، دلا به سر رشته شو مثل بشنو
- (۴) در حقیقت شیشه‌ی پر عقرب است این آسمان

۳۱- در کدام گزینه آرایه‌ی «تلمیح» وجود ندارد؟

- (۱) ای برادر غم عشق آتش نمرود انگار
- (۲) هر کسی را سر چیزی و تمتای کسی است
- (۳) نوحی به هزار سال یک طوفان دید
- (۴) من چو یعقوب ز گریه شده‌ام دیده سفید

۳۲- در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

- (۱) گر صحبت لیلی طلبی مجنون شو
- (۲) چو عشق از حد بشد با درد خود ساخت
- (۳) ز رمز زندگی دیوانه‌تر باد
- (۴) حال وامق که پریشان‌تر از او ممکن نیست

۳۳- در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

- | | |
|--|--|
| ۱) ما قصّهی سکندر و دارا نخوانده‌ایم | از ما به جز حکایت مهر و وفا نپرس |
| ۲) کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار | که من پیمودم این وادی نه بهرام است و نه گورش |
| ۳) گدا را کند یک درم سیم سیر | فریدون به ملک عجم نیم سیر |
| ۴) باده‌ی چون زنگ خواه اندر نوای نای و چنگ | نوش کن از دست حوری دلبری نوشین‌روان |

۳۴- در کدام گزینه آرایه‌ی «تلمیح» دیده نمی‌شود؟

- | | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) شهبسوار لافتی یعنی علی مرتضی | آن که شهرستان علم صدر عالم را در است |
| ۲) از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق | از همه عالم نهان و بر همه پیدا |
| ۳) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار | خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار |
| ۴) این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند | وین روح بین که در تن آدم دمیده‌اند |

۳۵- در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» هست.

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| ۱) هوس‌کاری آن فرهاد مسکین | نشان جوی شیر و قصر شیرین |
| ۲) حدیث خسرو و شیرین نهان نیست | و زان شیرین‌تر الحق داستان نیست |
| ۳) چنان نقش هوس بستم بر او پاک | که عقل از خواندنش گردد هوسناک |
| ۴) اساس بیستون و شکل شب‌دیز | همیدون در مدائن کاخ پرویز |

(سراسری انسانی ۸۱)

۳۶- در همه‌ی ابیات، به جز بیت آرایه‌ی «تلمیح» یافت می‌شود.

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) شاه ترکان سخن مدّعیان می‌شنود | شرمی از مظلّمی خون سیاوشش باد |
| ۲) گرچه نامت گندم است و آستان جنت است | من نیام آدم چرا بی‌بهرام از نان تو؟ |
| ۳) به چین زلف چو شامت نمی‌رسد دستم | نسیم زلف تو از مشک ناب می‌جویم |
| ۴) در باغ فضل ز آتش طبع چو آب خویش | همچون خلیل سنبلی و ریحان نموده‌ام |

(آزمایشی سنپش ۹۰)

۳۷- در کدام بیت آرایه‌ی «تلمیح» به کار نرفته‌است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) این مه که چون منیژه لب چاه می‌نشست | گریان به تازیانه‌ی افراسیاب رفت |
| ۲) پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت | من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم؟ |
| ۳) گر برود جان ما در طلب وصل دوست | حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست |
| ۴) جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او | آن نور روی موسی عمرانم آرزوست |

(آزمایشی سنپش انسانی ۸۷ و ۸۶)

۳۸- در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) دنیا که جسر (= پل) آخرتش خواند مصطفی | جای نشست نیست ببايد گذار کرد |
| ۲) به راستی ز فلک پیش می‌توان افتاد | ز نیل می‌گذرد هر که این عصا دارد |
| ۳) ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد؟ | چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا؟ |
| ۴) شنیده‌ای که سکندر برفت تا ظلمات | به چند محنت و خورد آن که خورد آب حیات |

۳۹- در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» مشهود است.

- | | |
|--|---|
| ۱) ما به صد خرمن پندار ز ره چون نرویم | چون ره آدم خاکی به یکی دانه زدند |
| ۲) «اهلی» سگ کوی تو شده عفو کنش زانک | آدم‌صفتان جز سگ این کوی نباشند |
| ۳) جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد | ما را چگونه زبید دعوی بی‌گناهی |
| ۴) ملک در سجده‌ی آدم زمین بوس تو نیت کرد | که در حسن تو لطفی دید بیش از حدّ انسانی |

(آزمایشی سنیش ۸۴)

۴۰- در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

- (۱) بگذر ز کبر و نیاز که دیده‌است روزگار
- (۲) ای عارض مه‌پیکر تو صورت جانی
- (۳) «غنی» مشکل بود دل‌کنند از خوبان پس از الفت
- (۴) شاه‌ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت

۴۱- در کدام بیت آرایه‌ی «تلمیح» دیده می‌شود؟

- (۱) به روضه‌ای که در او صدهزار گل می‌رست
- (۲) اهرمن از سجده‌ی انسان خاکی سر کشید
- (۳) آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
- (۴) حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر

۴۲- در همهی ابیات، به جز بیت آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

- (۱) بیا که رایست منصور پادشاه رسید
- (۲) یکی را به سر برنهد تاج بخت
- (۳) عزیز مصر به رغم برادران غیور
- (۴) حلاج بر سر دار این نکته خوش سراید

۴۳- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی «تلمیح» و «تضمین» به کار رفته‌است؟

- (۱) حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مه‌رو
- (۲) غالب به قول حضرت حافظ ز فیض عشق
- (۳) حافظ از دست منه دولت این کشتی نوح
- (۴) صائب این آن غزل حافظ شیراز که گفت:

قرابت معنایی

(سراسری تهرپی ۸۸)

۴۴- مفهوم کلی عبارات زیر در کدام بیت مشهود است؟

«به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است. ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.»

- (۱) کاروانی که بود بدرقه‌اش حفظ خدا
- (۲) موج از این بار چنان کشتی طاقت بشکست
- (۳) زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل
- (۴) سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم

۴۵- کدام گروه از ابیات زیر با عبارت «ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی» ارتباط معنایی دارند؟

- (الف) پس پرده بیند عمل‌های بد
- (ب) بر احوال نابوده علمش بصیر
- (ج) وگر خشم گیرد ز کردار زشت
- (د) زان‌جا که پرده‌پوشی عفو کریم توس
- (ه) ای جهان را ز هیچ سازنده
- (و) جز به حکم تو نیک و بد نکنند

(۱) ب، د، و (۲) الف، د، ه (۳) الف، ج، ه (۴) ب، ج، و

۴۶- عبارت «ای صمدی که از ادراک خلق جدایی» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) هر کس به تو ره یافت ز خود گم گردید | آن کس که تو را شناخت خود را شناخت |
| ۲) وگر سالکی محرم راز گشت | ببندند بر وی در بازگشت |
| ۳) نگنجد کرم‌های حق در قیاس | چه خدمت گزارد زبان سپاس؟ |
| ۴) چو دید و دانش ما آفریده‌است | که دانسته‌است او را و که دیده‌است |

۴۷- مفهوم عبارت «ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی و ای خالق که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی» با همهی ابیات، به‌جز بیت قرابت معنایی دارد.

- | | |
|--------------------------------|----------------------------|
| ۱) به یک اندیشه راه بنمایی | به یکی نکته راه بگشایی |
| ۲) کس خبردار کنه ذات تو نیست | فکر کس واقف صفات تو نیست |
| ۳) هستی و نیست مثل و مانندت | عاقلان جز چنین نخوانندت |
| ۴) همه بندگانیم و ایزد یکی است | پرستش جز او را سزاوار نیست |

۴۸- کدام بیت به مفهوم عبارت زیر اشاره ندارد؟

«ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جان ما را صفای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه.»

- | | |
|--|--|
| ۱) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم | صورت خوب آفرید و سیرت زیبا |
| ۲) خداوند بخشنده‌ی دستگیر | کریم خطابخش پوزش‌پذیر |
| ۳) به خدایی سزا مر او را دان | شب و شبگیر رو مر او را خوان |
| ۴) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم | وز هرچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم |

۴۹- مفهوم عبارت «جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱) عالم همه پُرصدا ولی گوش تو کر | دنیا همه باضیا ولی چشم تو کور |
| ۲) از دل تار است در چشم تو دنیا بی‌صفا | یوسفستان است عالم دل‌مصفا کرده را |
| ۳) در بند هوای نفس آواره مباش | تا بر تو در صفای دین بگشاید |
| ۴) دور کن نیش هوس‌های جهان را از دلم | غنچه‌ام را در هوای خود گل بی‌خار کن |

۵۰- مفهوم عبارت «ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه» با همهی ابیات، به‌جز بیت تناسب معنایی دارد.

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) بر در خویش سرفرازم کن | وز در خلق بی‌نیازم کن |
| ۲) دارم گه‌وبی‌گه ز که‌ومه کم‌وبیش | نفع و ضرر و خیر ز بیگانه و خویش |
| ۳) ذات تو غنی بوده و ما محتاجیم | محتاج به غیر خود مگردان ما را |
| ۴) یا رب در خلق تکیه‌گاهم نکنی | محتاج گدا و پادشاهم نکنی |

۵۱- مفهوم عبارت «الهی! عبدالله عمر بکاست اما عذر نخواست» با کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) گرفتم توبه کردی یک دو هفته | چه سازی توبه‌ی آن عمر رفته؟ |
| ۲) چاک شد پیرهن عمر به صد نومی | دست آید به دامن قبایی نرسید |
| ۳) گفتم کنم به توبه سبک‌دستی‌ای، ولی | عمری گذشت و این دل من همچنان بماند |
| ۴) نفسی کز تو فوت شد آن دم | به همه عمر عذر نتوان خواست |

۵۲- با توجّه به عبارت «الهی، ترسانم از بدی خود؛ بیامرز مرا به خوبی خود» مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟

- (۱) ببخش اگر گنهی کرده‌ام که نیست عجب
- (۲) چو کار خویش نکردی به هیچ رویی راست
- (۳) از ترس گناه خود شوم غمگین، باز
- (۴) گناه کرده به خروار و هیچ طاعت نه
- گنه ز بنده‌ی نادان و مغفرت ز حکیم
- ضرورت است که روراست می‌روی به جحیم
- از رحمت او خاطر خود شاد کنم
- مگر ببخشم از لطف خود خدای کریم

۵۳- مفهوم عبارت «بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار» به مفهوم کدام بیت نزدیک‌تر است؟

- (۱) تا خلق را به رحمت ایزد بود نیاز
- (۲) خدایا به ذلّت مـران از درم
- (۳) عاشقان کشتگان معشوق‌اند
- (۴) گرچه ندارم عمل هست امیدم به تو
- از خلق روزگار دلت بی‌نیاز باد
- که صورت نبیند دری دیگرم
- بر نیاید ز کشتگان آواز
- یک نظر لطف تو به ز جهانی عمل

۵۴- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) جاننا به نام‌گفتن تو جان به لب رسید
- (۲) سماع گوش من نامت سماع هوش من جامت
- (۳) نام تو دوی دل رنجور من است
- (۴) می‌کنم ذکر تو زان از نفسم مشک دمد
- کس نیست وه که تا چو منی را زبان برد
- عمارت کن مرا آخر که ویرانم به جان تو
- یاد تو شفای جان مهجور من است
- می‌برم نام تو زان در لب من جان باشد

۵۵- مفهوم بیت «چنان دارم ای داور کارساز / کزین بانیان شوم بی‌نیاز» با کدام عبارت ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی.
- (۲) ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه.
- (۳) جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده.
- (۴) الهی ترسانم از بدی خود؛ بیامرز مرا به خوبی خود.

۵۶- مفهوم بیت «علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را!! / که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را» به مفهوم کدام بیت نزدیک‌تر است؟

- (۱) بهترین خلق بعد از بهترین انبیا
- (۲) نقطه‌ی بسم‌اللّهی فرقان موجودات را
- (۳) شهر رحمت بود هر حرفی از نام علی
- (۴) چون لباس کعبه بر اندام بت زینده نیست
- ابن‌عمّ مصطفی داماد خیرالمرسلین
- در سواد توسست علم اولّین و آخرین
- این دو شهر برد عیسی را به چرخ چارمین
- جز تو بر شخص دگر نام امیرالمؤمنین

۵۷- مفهوم بیت «دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را» در کدام بیت آمده‌است؟ (سراسری شارج از کشور ۸۶)

- (۱) هرک آفت خلاف علی بود در دلش
- (۲) مَنّت خدای را که وجود امام حق
- (۳) هر کاو عدوی گنج رسول است بی‌گمان
- (۴) آگه نه‌ای مگر که پیمبر که را سپرد
- تو روی از او بتاب و بپرهیز از آفتش
- بشناختم به حقّ یقین و حقیقتش
- جز جهل و نحس نیست نشان سلامتیش
- روز غدیر خمّ ز منبر ولایتش؟

۵۸- مفهوم بیت «دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) هر که باشد محبّ آل علی
- (۲) تو شهریار علی گو که در کشاکش حشر
- (۳) به‌جز خدا که شناسد چنان‌که هست علی
- (۴) من خدا را از علی بشناختم
- شک ندارم که عارف است و ولی
- علی و آل به امداد می‌رسد ما را
- به‌جز علی که شناسد چنان‌که هست خدا
- قطره بر دریای وصل انداختم

۵۹- بیت «نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را» به مفهوم کدام بیت نزدیک تر است؟

- | | |
|------------------------------------|---|
| کس را چه زور و زهره که وصف علی کند | جبار در مناقب او گفته هل اتی |
| مردی که در مصاف زره پیش بسته بود | تا پیش دشمنان ندهد پشت بر غزا |
| شیر خدای و صفدر میدان و بحر جود | جان بخش در نماز و جهان سوز در وغا (= جنگ) |
| دیباجه‌ی مروت و سلطان معرفت | لشکرکش فتوت و سردار اتقیا |

۶۰- مفهوم بیت «به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت / که ز کوی او غباری به من آر توتیا را» با کدام بیت تقارن معنایی ندارد؟

- | | |
|--|---|
| گر خاک پای دوست خداوند شوق را | در دیدگان کشند جلای بصر بود |
| توتیای چشم مردم را ز خاک پای اوست | بی‌بصر باد آن‌که بی آن توتیا دارد بصر |
| به غیر از وصل نبود چاره‌ای هجر عزیزان را | که چشم از توتیا روشن نگردد پیر کنعان را |
| چشم از ز خون دل شودم تیره باک نیست | در جیب و کیسه خاک تو دارم که توتیاست |

۶۱- مفهوم بیت «به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت / که ز کوی او غباری به من آر توتیا را» با مفهوم کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| چو کحل (= سرمه) بینش ما خاک آستان شماست | کجا رویم بفرما از این جناب کجا؟ |
| گر باشدت بر ملک‌العرش آبروی | خاک درت ملائکه سازند توتیا |
| به عبرت چشم خواهی واکنی نظاره‌ی ما کن | غبار خاکساران آبروی توتیا دارد |
| پای خاکی کن درآ کز چشم خونین هر نفس | گوهر اندر خاک پایت رایگان خواهم فشاند |

۶۲- ویژگی شاعرانه‌ی باد صبا در همه‌ی ابیات به‌استثنای مشترک است. (سراسری زبان ۹۱)

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند | گر از آن یار سفرکرده پیامی داری |
| صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را | که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را |
| هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر | در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت |
| من و باد صبا نالان دو سرگردان بی‌حاصل | من از افسون چشمت مست و او از تاب گیسویت |

۶۳- مفهوم همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (سراسری ریاضی ۹۱)

- | | |
|---|-----------------------------------|
| از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح | بوی زلف تو همان مونس جان است مرا |
| ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند | گر از آن یار سفرکرده پیامی داری |
| با صبا افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست | وز رفیقان ره استمداد همت می‌کنم |
| من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم | تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی |

۶۴- مفهوم بیت «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» با کدام گزینه تناسب ندارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| شب دراز به آمید صبح بیدارم | مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم |
| تا مگر باد ز مویت به من آرد بویی | شب تاریک به آمید سحر بیدارم |
| شب خوش نخفتم هیچ‌گاه زان دم که بهر خون من | شد آشنایی با صبا آن زلف عنبربیز را |
| خبرت هست که شب تا به سحر منتظرم | بر سر کوی ستم تا خبر او چه رسد |

۶۵- مفهوم بیت «ز نوای مرغ یاحق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|--|--|
| حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد | شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی |
| غنیمت دار خواب بی‌غمی را | که شب ناخوش بود بر سوگواران |
| منم و شبی و با دل همه شب حکایت او | که غم دراز گفتن به شبان تار خوش‌تر |
| گل‌بانگ مستی‌آفرین همچون رهی سر داده‌ام من | مرغ شباهنگم ولی در دام غم افتاده‌ام من |

۶۶- بیت «آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد / بلکه در جَنّت فردوس نباشد چو تو حور» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟ (سراسری زبان ۸۶)

- (۱) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
 - (۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
 - (۳) چو درخت قامتش دید صبا به هم برآمد
 - (۴) آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست
- که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟
ز چمن نرست سروی، که ز بیخ برنکندش
عالمی دیگر ببايد ساخت وز نو آدمی

۶۷- شاعر در کدام بیت به آیهی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» اشاره دارد؟ (سنبل ۸۹)

- (۱) مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ
 - (۲) به دو چشم خون‌فشانم هله ای نسیم رحمت!
 - (۳) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
 - (۴) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
- به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
که ز کوی او غباری به من آر توتیا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۶۸- در همهی ابیات، به جز بیت به آیهی «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» اشاره شده است.

- (۱) دست جود افشاند ناگه مرتضی
 - (۲) در نماز ار داد سائل را نگین نبود عجب
 - (۳) شهی که خاتم قدرت کند چو در انگشت
 - (۴) در رکوع او کرد خود این سروری
- داد سائل را ز انگشت او عطا
اهل حق را هر چه در دست است نذر سائل است
هزار ملک سلیمان‌ش از نگین خیزد
داد در راه خدا انگشتی

۶۹- مفهوم کلی ابیات زیر با کدام بیت متناسب نیست؟ (سنبل ۹۱)

- «گفت: من تیغ از پی حق می‌زنم
شیر حَقِّم نیستم شیر هوا»
- بنده‌ی حَقِّم نه مأمور تنم
فعل من بر دین من باشد گوا»

- (۱) نمی‌دانم به هر جایی که هستی
 - (۲) نفس خود را بکش نبرد این است
 - (۳) کوش تا آن نفس که آید پیش
 - (۴) چو من پادشاه تن خویش گشتم
- خلاف نفس و عادت کن که رستی
منت‌های کمال مرد این است
نشود فوت از تو ای درویش
اگرچند لشکر ندارم امیرم

۷۰- مفاهیم «بخشندگی، وفاداری، گذشت و شفاعت» به ترتیب در کدام بیت‌ها دیده می‌شود؟

- الف) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
ب) مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ
ج) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
د) چو به دوست عهد بندد ز میان پاک‌بازان
ه) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
- چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

(۱) ب، د، الف، ه (۲) ج، د، الف، ب (۳) ج، ب، د، ه (۴) الف، ه، ج، ب

۷۱- مفهوم بیت «هر که نتابد ز علی روی خویش / بی‌شک از او روی بتابد عذاب» به مفهوم کدام بیت نزدیک‌تر است؟

- (۱) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
 - (۲) مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ
 - (۳) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
 - (۴) چو به دوست عهد بندد ز میان پاک‌بازان
- که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را

۷۲- کدام بیت، سروده‌ی حافظ شیرازی است و شهریار آن را در شعر «همای رحمت» عیناً به کار برده‌است؟

(سراسری ریاضی ۸۰ و فنی ۸۳ و سنپش ۸۲ و ۸۴)

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) به امید آن‌که شاید برسد به خاک پایت | چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را |
| ۲) چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم؟ | که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را |
| ۳) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی | به پیام آشنایی بنوازد آشنا را |
| ۴) ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب | غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا |

۷۳- در همی ایبات، به‌جز بیت شاعر پرسشی را مطرح کرده‌است که پاسخ آن «هیچ‌کس» است.

(سنپش ۸۳)

- | | |
|---|---|
| ۱) به‌جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب | که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟ |
| ۲) چو به دوست عهد بندد ز میان پاک‌بازان | چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟ |
| ۳) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت | متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟ |
| ۴) به‌جز از علی که گوید به پسر که قاتل من | چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟ |

۷۴- با توجه به بیت «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» مقصود از «آشنا» و «پیام آشنا» هر دو در کدام گزینه به‌ترتیب و به‌درستی ذکر شده‌است؟

- ۱) عشق محبوب، عاشق ۲) شاعر، لطف و نوازش معشوق ۳) توجه معشوق، شهریار ۴) خبر شیرین عشق‌بازی، عاشق واقعی

۷۵- کاربرد «را» در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن | که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را |
| ۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت | متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را |
| ۳) به دو چشم خون‌فشانم هله ای نسیم رحمت | که ز کوی او غباری به من آر توتیا را |
| ۴) به امید آن‌که شاید برسد به خاک پایت | چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را |

۷۶- در همی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی «حرف قسم و سوگند» وجود دارد.

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) چه دشمنی که نکردی چنان‌که خوی تو باشد | به دوستی که شکایت به هیچ دوست نبردم |
| ۲) به دو چشم تو که شوریده‌تر از بخت من است | که به روی تو من آشفته‌تر از موی توام |
| ۳) به نام خداوند جان و خرد | کزین برتر اندیشه برنگذرد |
| ۴) به مردی که ملک سراسر زمین | نیرزد که خونی چکد بر زمین |

۷۷- مفهوم آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» در کدام بیت دیده‌می‌شود؟

(سراسری قارج از کشور ۸۷)

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند | گل آدم بسرشتند و به پیمان زدنند |
| ۲) ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت | با من راه‌نشین باده‌ی مستانه زدند |
| ۳) آسمان بار امانت نتوانست کشید | قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند |
| ۴) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه | چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند |

۷۸- معانی واژه‌ی «تیز» در ابیات زیر، در کدام گزینه به ترتیب و به درستی آمده است؟

- (الف) تیز بودیم و کندگونه شدیم
(ب) برو تیز و آن شیردل را بگوی
(ج) چون نداری ناخن درنیده تیز
(د) گر رفیقان به بصر تیز بوند از بر ما

(۱) سریع - چابک - تیزبین - برنده (۲) چابک - سریع - برنده - تیزبین (۳) برنده - تیزبین - چابک - سریع (۴) تیزبین - برنده - سریع - چابک

۷۹- با توجه به بیت زیر، معنی «ستوه گشتن» و «روی پیچیدن از» چیست؟

- «چو ره‌ام گشت از کشانی ستوه بییچید زو روی و شد سوی کوه»

(۱) عاجز شدن - برگشتن (۲) ناراحت شدن - پنهان گشتن (۳) خسته شدن - سرپیچی کردن (۴) عصبانی شدن - بی‌اعتنایی کردن

۸۰- معنای «شدن» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) چون که شد خورشید و ما را کرد داغ
(۲) این تپاول که کشید از غم هجران بلبل
(۳) نه بعد از شدن بازگردد زمان
(۴) به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم

۸۱- معنی چند واژه در کمانک مقابل آن به درستی معنی شده است؟

نثر (پراکندن) - غالب (شکل) - باذل (شجاع) - رزم (پیکار) - کوس (طبل بزرگ) - سپهر (آسمان) - برآهیختن (برکشیدن) - تهمتن (قوی) - کارزار (جنگ) - به‌زه (گناه) - عنان (افسار) - بارگی (اسب) - نبرده (شجاع)

(۱) هشت (۲) نه (۳) ده (۴) یازده

۸۲- واژه‌ی «گران» در کدام بیت به معنای «بزرگ و عظیم» آمده است؟

- (۱) چیزی به گران هیچ خردمند خرد
(۲) به کارهای گران مرد کاردیده فرست
(۳) بکردند هر روز جنگ گران
(۴) می‌خور که هرکه آخر کار جهان بدید

۸۳- عبارت‌های «انگشترمانندی از جنس استخوان که هنگام کمان‌داری زه کمان را با آن می‌گرفتند - درختی که چوبی سخت و سیاه رنگ دارد - صمغی است زرد رنگ که روغن کمان از آن می‌گرفتند - درختی است بسیار سخت که از چوب آن تیر، نیزه و زین اسب می‌سازند» به ترتیب، بیانگر کدام واژه‌ها هستند؟

(۱) سندروس - شست - چوبه - آبنوس (۲) شست - آبنوس - سندروس - خدنگ

(۳) شست - خدنگ - آبنوس - سندروس (۴) آبنوس - سندروس - شست - چوبه

۸۴- معنای واژه‌های «سوفار - هم‌اورد - ترگ» به ترتیب در گزینه‌ی به درستی آمده است.

(۱) فتراک - هم‌نبرد - فرق سر (۲) انتهای تیر - مبارز - ببر (۳) غلاف تیر - حریف - خفتان (۴) دهانه‌ی تیر - رقیب - کلاه‌خود

۸۵- کلمه‌ی «کجا» در کدام گزینه به معنی «که» و حرف ربط است؟

- (۱) پشیمان شد از بد کجا کرده بود
(۲) هرکجا سلطان عشق آمد نماند
(۳) سر خدا که عارف سالک به کس نگفت
(۴) دگر رغبت کجا ماند کسی را سوی هشیاران

- دمار از دل خود برآورده بود
قـــوَت بازوی تقوا را محل
در حیرتم که باده‌فروش از کجا شنید
چو ببند دست در آغوش مستان سحرخیزت

۸۶- معنای چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست است؟

عنان گران کردن (به آرامی حرکت کردن) - فسوس (مسخره کردن) - مزیح (غیر جدی) - خیره خیر (سریع) - رنجه (آزوده) - احسنت (نیکوترین) - زه (چله‌ی کمان) - ارتجاع (بازگشتن) - الفا (افکندن) - قالب (چیره) - امل (آرزو) - وداع (بدرود)

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۸۷- معنای واژه‌ی «آویختن» در کدام بیت متفاوت است؟

(۱) که خون چنان خسروی ریختی
(۲) بیاویخت بر نیزه ران بره
(۳) بپرهیز از این رزم و آویختن
(۴) چو رفتی جهاندار بر تخت عاج

همی کوه در گردن آویختی
ببست اندر اندیشه دل یکسره
به بیداد بر خیره خون ریختن
بیاویختندی به زنجیر تاج

۸۸- معنای صحیح واژه‌های «فاخر - گبر - خود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) نازنده - خفتان - کلاه جنگی
(۳) نیکو - کمان - شمشیر

(۲) گران مایه - سنان - لباس جنگی
(۴) عالی - سپر - ترگ



۸۹- در عبارت «عمل، دام دیو است؛ از دانه‌ی او نگر تا خود را نگاه داری که هزار طاووس خرد و همای همت را به وسوسه از شاخسار قناعت درکشیده است و از اوج هوای استغنا به زیر آورده و بسته‌ی بند خویش گردانیده. هنگام فراغت از مشغولی و به وقت عزّ توانگری از ذلّ درویشی یاد آر تا حقّ هر کسی پیش از تباه شدن وقت گذارده شود.» چند غلط املائی وجود دارد؟

(سراسری خارج از کشور، ۸۶)

(۱) سه (۲) دو (۳) چهار (۴) پنج

۹۰- در گروه واژه‌های کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

(۱) مرهم دل مجروح - گزاردن و به جا آوردن - سپهر غذار - صامت و مصوّت - تیر الماس پیکان
(۲) صمد و احد - شفاهی و سینه به سینه - ابن حُسام خوسفی - اغراق و بزرگ‌نمایی - نهنگ و پلنگ
(۳) عذر و بهانه - واگذارن و تسلیم - اُدیسه‌ی هومر - کمان به‌زه - متخلّص به شهریار
(۴) شرار قهر - پسری ابوالعجایب - نقمه‌ی حروف - برآهیخت گرز گران - جغد و مرغ حق

۹۱- در کدام گزینه املائی واژه‌ای نادرست است؟

(۱) جوانی بود متنعم و سایه‌پرورده، نه جهان‌دیده و سفرکرده. رعد کوس دلاوران به گوشش نرسیده و برق شمشیرسواران ندیده.
(۲) دریغا عمر که عنان‌گشاده رفت و از وی جز تجربت و ممارست عوضی به دست نیامد که در وقت پیری پای‌مردی یا دست‌گیری تواند بود.
(۳) موالات تو را به جان خریدارم و این مدافعت در ابتدای سخن بدان کردم تا اگر قدر و حيله‌ای اندیشی، من باری به نزدیک خویش معذور باشم و به توهم نگویی که او را سست‌عنان یافتم.
(۴) چون آلم تازیانه بدو رسید، فریاد برداشت که یا امیرالمؤمنین در حقّ تو و آبا و اجداد تو چه گفته‌ام، حقّ آن بشناس و رقم عفو بر جرمه‌ی این دروغ‌گوی کش.

۹۲- املائی درست کدام گزینه متن زیر را به‌درستی کامل می‌کند؟

«هر دشمن که به سبب و دوری مسافت قصدی نتواند پیوست، و نزدیکی جوید و خود را از ناصحان گرداند و به تقرّب و توّد و تملّق در معرض محرمیت آرد و چون بر وقوف یافت و فرصت مهیا بدید، به اتقان و بصیرت دست به کار کند و هر زخم که گشاید، چون برق بی‌حجاب باشد و چون بی‌خطا رود و من زاغان را آزموده بودم و اندازهی دوربینی ایشان بدانسته.»

(۱) غربت - غربت - اصرار - غزا
(۲) غربت - قربت - اسرار - قضا
(۳) قربت - قربت - اصرار - غذا
(۴) قربت - غربت - اسرار - قضا

۹۳- در گروه کلمات زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«مهابهاراتا و رامایانا - حماسه‌ی مصنوع - باذل مشه‌دی - نظم و نصر ادبی - حدود عادت - صحنه‌ی نبرد - فسوس و مزیح - موقوف‌المعانی - الغای معنی - قالب حماسه - بزم و رزم - آبنوس و سوفار - انگشت شست - احسنت و زه - قابلیت ارتجاع - روز وداع یاران»

(۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار

۹۴- در کدام گزینه غلط املایی بیشتری وجود دارد؟

- (۱) طایر روح خاست که شریک آن فتوح شود و با آن جمع در تابش آن شمع هم‌صبح، عنان غالب در طلب و کشش آمد و زمام قلب در طرب و جنبش.
- (۲) هرکه از شعاع عقل غریزی، بهره‌مند شد و استماع سخن ناصحان را شعار ساخت، اقبال او چون سایه‌ی چاه پایدار باشد، نه چون نور ماه در زوال؛ دست مریخ صلاح نصرتش صیقل کند و قلم عطارد منشور دولتش امضا نماید.
- (۳) مخدوم در چشم سه طایفه سبک نماید؛ بنده‌ی فراخ‌سخن که ادب نگه ندارد و در خواست و نشست با ایشان برابر باشد و مخدوم هم مزاح دوست و بنده‌ای که در حرم مخدوم بی‌استحقاق، منزلتِ اعتماد یابد.
- (۴) به قوت خود تکیه‌کردن و به زور و شجاعت خویش فریفته‌شدن از دوراندیشی، دور افتد که شمشیر دو روی دارد و این سپهر گوژپشت شوخ‌چشم، روزگوار است و غدر مردانِ نیکو نشناسد و گردش او را اعتماد نشاید.



۹۵- کدام گزینه به‌درستی متن زیر را کامل می‌کند؟

«حماسه، داستان و روایتی است با زمینه‌ی و رنگ قومی و ملی و سبکی که در آن حوادثی فراتر از حدود عادت اتفاق می‌افتد.»

(۱) تاریخی - خشن (۲) پهلوانی - غیرطبیعی (۳) قهرمانی - فاخر (۴) اجتماعی - حماسی

۹۶- کدام نویسندگان، «بازآفرینان حماسه» هستند و «آفرینش‌گران حماسه» محسوب نمی‌شوند؟

(۱) باذل مشه‌دی - فردوسی (۲) ابن‌حسام خوشفی - هومر (۳) والمیکی - ویاسا (۴) باذل مشه‌دی - ابن‌حسام خوشفی

۹۷- کدام گزینه درباره‌ی «حماسه‌ی مصنوع» نادرست است؟

- (۱) حماسه‌ی مصنوع تقلیدی از حماسه‌ی طبیعی است.
- (۲) به جای بازآفرینی حماسه به آفرینش حماسه می‌پردازد.
- (۳) در تدوین حماسه‌ی مصنوع یک نفر (شاعر) دخالت دارد.
- (۴) از زمان‌های دور به صورت شفاهی در بین ملت‌ها وجود ندارد.

۹۸- کدام اثر ادبی، از نظر نوع حماسه با شاهنامه‌ی فردوسی در یک ردیف قرار نمی‌گیرد؟

(سراسری انسانی ۸۴ +)

(۱) رامایانا (۲) ایللیاد و ادیسه (۳) مهابهاراتا (۴) خاوران‌نامه

۹۹- کدام پهلوان در داستان «رستم و اشکبوس» از جنگ روی برگرداند و صحنه‌ی نبرد را ترک کرد؟

(سنپش ۸۲)

(۱) توس (۲) رهام (۳) تهمن (۴) کشانی

۱۰۰- کدام شخصیت به‌درستی معرفی نشده‌است؟

- (۱) رستم (تهمن): در لغت به معنی بزرگ‌تن و قوی‌اندام، جهان پهلوان ایران و از مردم زابلستان.
- (۲) اشکبوس: پهلوانی کشانی که به یاری افراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته‌شد.
- (۳) گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از خاندان سام نیرم، خاندان وی اهمیت داشته‌است.
- (۴) رهام: از پهلوانان ایرانی و از دانایان روزگار خویش، فرزند کاووس که در روزگار گودرز می‌زیست.

۱۰۱- کدام اثر، «آفرینش حماسه» است و «بازآفرینی حماسه» محسوب نمی‌شود؟

(سراسری ریاضی ۸۸)

(۱) ادیسه (۲) انه‌اید (۳) حمله‌ی حیدری (۴) خاوران‌نامه

۱۰۲- کتاب هومر مجموعه‌ی آداب و اخلاق یونانیان قدیم و هومر از آثار حماسی و شاهکارهای ادبیات جهان است و

هر دو اثر در قرن قبل از میلاد نوشته‌شده‌اند.

(۱) ادیسه - ایللیاد - هفتم (۲) ایللیاد - ادیسه - هفتم (۳) ایللیاد - ادیسه - پنجم (۴) ادیسه - ایللیاد - پنجم

۱۰۳- کدام اثر در متن «حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به «ویاسا» فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند اما این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر، سروده نشده‌است بلکه قریب صد شاعر، آن را طی چند قرن سروده‌اند.» معرفی شده است؟

(سراسری ریاضی ۸۱ و انسانی ۸۷)

- (۱) مهابهارات (۲) رامایانا (۳) طوطی‌نامه (۴) تحقیق ماللهند

۱۰۴- کدام اثر حماسی، سروده‌ی «والمیکی» است و جزو کدام یک از انواع آثار حماسی است؟

(سراسری هنر ۸۱)

- (۱) رامایانا، طبیعی (۲) رامایانا، مصنوع (۳) مهابهارات، طبیعی (۴) مهابهارات، مصنوع

۱۰۵- همهی دلایل ارائه‌شده در گزینه‌ها برای مصنوع بودن حماسه‌ی حیدری به جز دلیل ارائه‌شده در گزینه‌ی درست است. (سنجش ۸۴)

- (۱) تقلیدی از حماسه‌های طبیعی است. (۲) شاعر به بازآفرینی حماسه پرداخته‌است. (۳) عدم دخالت همهی افراد یک ملت در تدوین آن. (۴) آفرینش حماسه از روایات شفاهی یک قوم از زمان‌های دور.

۱۰۶- شاعر «خاوران‌نامه» در قرن‌های و می‌زیست و نام دارد.

- (۱) هفتم و هشتم - باذل مشهدی (۲) نهم و دهم - ابن حسام خوشفی (۳) هشتم و نهم - ابن حسام خوشفی (۴) دهم و یازدهم - باذل مشهدی



۱۰۷- کدام آرایه‌ی ادبی در بیت «بشد تیز ره‌ام با خود و گبر / همی گرد رزم اندر آمد به ابر» مشهود نیست؟

(آزمایشی سنجش ۸۴)

- (۱) کنایه (۲) جناس (۳) تشبیه (۴) تناسب

۱۰۸- در بیت «بر او راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بغاست» به ترتیب کدام آرایه به کار نرفته‌است و شاعر با استفاده از کدام آرایه خواسته‌است حس خشونت را بیشتر نشان دهد؟

(سراسری هنر ۸۲)

- (۱) تضاد - نغمه‌ی حروف (۲) جناس تام - اغراق (۳) مراعات نظیر - اغراق (۴) حسن تعلیل - واج‌آرایی

۱۰۹- در کدام عبارت آرایه‌ی «اغراق» وجود دارد؟

(سراسری هنر ۸۳)

- (۱) پیامد که جوید ز ایران نبرد (۲) همی گرد رزم اندر آمد به ابر (۳) همی برخروشید برسان کوس (۴) برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس

۱۱۰- در کدام بیت «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

- (۱) دلیری کجا نام او اشکبوس (۲) به گرز گران دست برد اشکبوس (۳) چو ره‌ام گشت از کشانی ستوه (۴) یکی تیر الماس پیکان چو آب
- همی برخروشید برسان کوس
زمین آهنین شد سپهر آبنوس
بپیچید زو روی و شد سوی کوه
نهاده بر او چار پرّ عقاب

۱۱۱- آرایه‌ی درج‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) پیامد که جوید ز ایران نبرد (۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ (۳) قضا گفت گیر و قدر گفت ده (۴) بزد بر بر و سینه‌ی اشکبوس
- سرهم نبرد اندر آرد به گرد (جناس)
تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟ (تضاد)
فلک گفت احسنت و مه گفت زه (تشخیص)
سپهر آن زمان دست او داد بوس (اغراق)

۱۱۲- در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «تلمیح» وجود دارد.

(آزمایشی سنجش ۸۱)

- (۱) این مه که چون منیژه سر چاه می‌نشست (۲) بر او راست خم کرد و چپ کرد راست (۳) چنین گفت پیغمبر راست‌گوی (۴) مرا شکر منه و گل مریز در مجلس
- گریان به تازیانه‌ی افراسیاب رفت
خروش از خم چرخ چاچی بغاست
ز گهواره تا گور دانش بجوی
میان خسرو و شیرین شکر کجا گنجد؟

۱۱۳- در همه‌ی گزینه‌ها هر دو آرایه‌ی «کنایه و جناس» دیده می‌شود، به جز بیت

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| (۱) پیاده ندیدی که جنگ آورد | سر سرکشان زیر سنگ آورد |
| (۲) چو بوسید پیکان سرانگشت اوی | گذر کرد بر مهره‌ی پشت اوی |
| (۳) چو رهام گشت از کشانی ستوه | بپیچید زو روی و شد سوی کوه |
| (۴) بزد بر بر و سینه‌ی اشکبوس | سپهر آن زمان دست او داد بوس |

(سپش ۱۹ و ۱۸)

۱۱۴- در همه‌ی بیت‌ها، به جز بیت آرایه‌ی «اغراق» به کار رفته‌است.

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| (۱) که گفتت برو دست رستم ببند | نبندد مرا دست چرخ بلند |
| (۲) شود کوه آهن چو دریای آب | اگر بشنود نام افراسیاب |
| (۳) تو دانی که بیداد کوشد همی | همی جنگ و مردی فروشد همی |
| (۴) ز سم ستوران در آن پهن‌دشت | زمین شد شش و آسمان گشت هشت |

۱۱۵- در کدام گزینه آرایه‌ی «تشبیه» به کار رفته‌است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است | خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی |
| (۲) سر انگشت تحریر بگزد عقل به دندان | چون تأمل کند این صورت انگشت‌نما را |
| (۳) حافظ از مشرب قسمت گله بی‌انصافی است | طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس |
| (۴) چون تشنه جان سپردم آن‌گه چه سود دارد | آب از دو چشم دادن بر خاک من گیا را |

۱۱۶- در کدام گزینه آرایه‌ی «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (۱) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد | ساقی به دور بادیه‌ی گلگون شتاب کن |
| (۲) باز امشب ای ستاره‌ی تابان نیامدی | باز ای سپیده‌ی شب هجران نیامدی |
| (۳) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم | ورت به دست نیاید چو سرو باش آزاد |
| (۴) تو همچون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید | روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم |

۱۱۷- در کدام گزینه آرایه‌ی «اضافه‌ی تشبیه‌ی» دیده می‌شود؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| (۱) زبان خامه ندارد سر بیان فراق | وگر نه شرح دهم با تو داستان فراق |
| (۲) دریغ مدّت عمرم که بر امید وصال | به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق |
| (۳) چگونه باز کنم بال در هوای وصال | که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق |
| (۴) به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ | به دست هجر ندادی کسی عنان فراق |

(آزمایشی سپش ۹۰)

۱۱۸- در همه‌ی ابیات، به جز بیت آرایه‌ی «تشبیه» به کار رفته‌است.

- | | |
|--|---------------------------------------|
| (۱) اگرچه در بر کافور عارضت افعی | تو را چو لعل زمردنماست، گو می‌باش |
| (۲) اگرچه از من مسکین رقیب در خشم است | تو را نظر چو به عین رضاست گو می‌باش |
| (۳) کاسه‌ی سر را تهی کن وانگهی با سر بگو | کای مبارک‌کاسه‌ی سر عشق را پیمانه باش |
| (۴) به چین زلف چو شام تو مایل است دلم | شدن به جانب چین گر خطاست گو می‌باش |

۱۱۹- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی «تشبیه» و «اغراق» دیده می‌شود؟

- | | |
|--|---|
| (۱) به بارگاه تو چون باد را نباشد بار | کی اتفراق مجال سلام ما افتد |
| (۲) چو رامین گه‌گهی بنواختی چنگ | ز شادی بر سر آب آمدی سنگ |
| (۳) باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد | با پختگان گوی این سخن سوزش نباشد خام را |
| (۴) گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه | یا هرچه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن |

۱۲۰- در کدام بیت آرایه‌ی «تشبیه» یافت نمی‌شود؟

- ۱) سرو را در نظر آرند به یاد قد تو
- ۲) هرکسی روی به سویی به امید دارد
- ۳) روز ایشان بود آن‌گه که به رویت نگرند
- ۴) عارفان از چمن قدس چو بوی تو کشند

- گرد گلزار برآنند که بوی تو کشند
آخرالامر همه رخت به سوی تو کشند
شب زمانی که در آن طرّهی موی تو کشند
خویش را بی‌خرد و مست به کوی تو کشند

(آزمایشی سنیش ۹۱)

۱۲۱- در کدام بیت «آرایه‌ی تشبیه» بیشتر است؟

- ۱) روی من زردتر از برگ خزان در همه فصل
- ۲) هرکه در بحر غمش راند چو من کشتی عمر
- ۳) عالمی مست می لعل تو وین نادره بین
- ۴) گنج حسن است رخ او نتوان داد ز دست

- از هوای رخ چون تازه‌بهارش باشد
زان میان غایت مقصود کنارش باشد
چشم خود را که همه سال خمارش باشد
گرچه از غالیه صد حلقه‌ی مارش باشد

(آزمایشی سنیش ۹۱)

۱۲۲- در بیت «بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران» کدام آرایه‌های ادبی وجود دارد؟

- ۱) مراعات نظیر، جناس، استعاره ۲) واج‌آرایی، تلمیح، تضاد ۳) تشبیه، تشخیص، اغراق ۴) کنایه، تلمیح، جناس

۱۲۳- کدام آرایه‌ی ادبی در عبارت «صدای سنگین سکوت در سرسرا پیچیده بود.» مشهود نیست؟

- ۱) کنایه ۲) ایهام ۳) متناقض‌نما ۴) واج‌آرایی

(سنیش ۸۴)

۱۲۴- در همهی بیت‌ها آرایه‌ی «واج‌آرایی» دیده‌می‌شود، به‌استثنای بیت

- ۱) جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
 - ۲) نرگس مست نوازشگر مردم‌دارش
 - ۳) غیر از لب کم حرف تو ساقی نشنیدم
 - ۴) دیده‌ی عقل مست تو، چرخه‌ی چرخ پست تو
- هر کس که این ندارد حقّا که آن ندارد
خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد
جایی که میان می و ساغر شکراب است
گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود

۱۲۵- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی «تلمیح و نغمه‌ی حروف» دیده‌می‌شود؟

- ۱) ریاست به دست کسانی خطاست
 - ۲) همچو جم جرعه‌ی ما کش که ز سرّ دو جهان
 - ۳) عاشقان را بر سر خود حکم نیست
 - ۴) نشد شیرینی گفتار من از شوربختی کم
- که از دستشان دست‌ها بر خداست
پرتو جام جهان‌بین دهدت آگاهی
هرچه فرمان تو باشد آن کنند
که شیرینی ز گوهر تلخی دریا نمی‌شوید

۱۲۶- در کدام گزینه همهی آرایه‌های «تلمیح، واج‌آرایی، تشبیه و تضاد» دیده‌می‌شود؟

- ۱) مجنون سر زلفت لیلی به دلاویزی
 - ۲) گرچه فرهاد نمانده‌است ولیکن مانده‌است
 - ۳) ندارم حسرت تخت سلیمان و سریر جم
 - ۴) باد را بر سر کوی تو مجال است و مرا نیست
- فرهاد لب لعلت شیرین به شکرخایی
شور لعل لب شیرین شکرخاش هنوز
به دامان تو گرد خویش را بنشسته می‌خواهم
خنک آن باد که بر خاک سر کوت وزیده‌است

۱۲۷- ترتیب قرارگرفتن ابیات، به لحاظ داشتن آرایه‌های «تشبیه، تلمیح، اغراق، واج‌آرایی و تضمین» کدام است؟

- الف) سلطان صفت همی‌رود و صدهزار دل
 - ب) شهریارا چه غم هست که چون خواجه‌ی خویش
 - ج) چو شیرینی از من به در می‌رود
 - د) هرکه زد بر آتش خشم آب، مانند خلیل
- که به دوستان یک‌دل سر دست برفشانی
چو فرهادم آتش به سر می‌رود
آتش سوزنده را بر خود گلستان می‌کند
با او چنان که در پی سلطان رود سپاه

- ۱) ج، ه، الف، د، ب ۲) د، ج، الف، ب، ه ۳) د، ج، ه، الف، ب ۴) ج، د، الف، ه، ب

۱۲۸- «عنان گران کردن» در بیت زیر به کدام معنی آمده است؟

«کشانای بخندید و خیره بماند
عنان را گران کرد و او را بخواند»

(۱) گریختن

(۲) برگشتن

(۳) برنشتن

(۴) ایستادن

(سراسری فنی ۸۳)

۱۲۹- مصراع «چو سوفارش آمد به پهنای گوش» با کدام جمله مفهومی معادل دارد؟

(۱) کمان را بمالید رستم به چنگ (۲) چو بوسید پیکان سرانگشت اوی (۳) ز شاخ گوزنان برآمد خروش (۴) خروش از خم چرخ چاچی بخاست

(سراسری فنی ۸۸)

۱۳۰- مفهوم کنایی کدام عبارت نادرست است؟

(۱) زمانه مرا پتک ترگ تو کرد: روزگار مرا به جدایی از تو برانگیخت (۲) ز شاخ گوزنان برآمد خروش: از کمان فریادی برخاست. (۳) چنان شد که گویی ز مادر نژاد: جان به جان آفرین تسلیم کرد. (۴) که رهام را جام باده است جفت: رهام اهل بزم و شراب است، نه جنگ و رزم.

(سنجش ۸۷)

۱۳۱- در کدام بیت مفهوم کنایی موجود در بیت زیر به کار رفته است؟

«هر آن کس که با تو بجوید نبرد
سراسر برآور سران شان به گرد»

همان گگرد کرده عنان مرا
همی گگرد رزم اندر آمد به ابر
سر سرکشان زیر سنگ آورد؟
تنان پر ز خون و سران پر ز گرد

(۱) ببینی تو فردا سنان مرا
(۲) بشد تیز رهام با خود و گبر
(۳) پیاده ندیدی که جنگ آورد؟
(۴) چو لشکر بیامد ز دشت نبرد

۱۳۲- در کدام گزینه مفهوم ابیات با هم تناسب ندارند؟

بپیچید از او روی و برگاشت زود
بپیچید زو روی و شد سوی کوه
بیامد به کردار آذرگشسپ
عنان را گران کرد و او را بخواند
غمی شد ز پیکار دست سران
فروماند از کار دست سران
چه باید بر این دشت چندین سوار؟
بدین روز و این گردش روزگار

(۱) به آورد با او بسنده نبود
چو رهام گشت از کشانای ستوه
(۲) عنان برگرایید و برگاشت اسپ
کشانای بخندید و خیره بماند
(۳) برآهیخت رهام گرز گران
همان دسته بشکست گرز گران
(۴) چو خسرو پیاده کند کارزار
پیاده به از چون تو پانصد سوار

۱۳۳- با توجه به داستان «رستم و اشکبوس» کدام گزینه از زبان «اشکبوس» است؟

بدین روز و این گردش کارزار
تن بی سرت را که خواهد گریست؟
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟

(۱) پیاده به از چون تو پانصد سوار
(۲) بدو گفتم خندان که نام تو چیست؟
(۳) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
(۴) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ

۱۳۴- در همة گزینه‌ها، مفهوم کنایه‌ای هر دو مصراع با هم تناسب دارند، به جز گزینه‌ی

(۱) سر هم نبرد اندر آرد به گرد - سر سرکشان زیر سنگ آورد
(۲) تن بی سرت را که خواهد گریست؟ - مرا مادرم نام مرگ تو کرد
(۳) همی گرد رزم اندر آمد به ابر - زمین آهنین شد سپهر آب‌نوس
(۴) که رهام را جام باده است جفت - پیاده به از چون تو پانصد سوار

(سنجش ۸۱)

۱۳۵- در کدام گزینه رنگی از «تحقیر و تمسخر» به چشم می‌خورد؟

من اکنون پیاده کنم کارزار
چنان شد که گفتم ز مادر نژاد
که بنشین به پیش گران مایه جفت
بزد اسب کآید بر اشکبوس

(۱) تو قلب سپه را به آیین بدار
(۲) کشانای هم اندر زمان جان بداد
(۳) بخندید رستم به آواز گفت
(۴) ز قلب سپه اندر آشفست توس

۱۳۶- مفهوم همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی «تهدید به مرگ» است.

- (۱) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
- (۲) تهمتن چنین داد پاسخ که نام
- (۳) کشانی بدو گفت بی‌بارگی
- (۴) کشانی هم اندر زمان جان بداد

۱۳۷- کدام بیت بر «پرتاب شدن تیر» دلالت دارد؟

- (۱) کمان را بمالید رستم به چنگ
- (۲) بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
- (۳) چو سوفارش آمد به پهنای گوش
- (۴) چو بوسید پیکان سرانگشت اوی

۱۳۸- در کدام ابیات به ترتیب به جنس «کمان رستم» و جنس «تیری که به کار برد» اشاره شده است؟

- (الف) تهمتن به بند کمر برد چنگ
- (ب) یکی تیر الماس پیکان چو آب
- (ج) کمان را بمالید رستم به چنگ
- (د) بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
- (ه) چو سوفارش آمد به پهنای گوش

(۱) ج، د (۲) ه، الف (۳) ب، د (۴) ج، ب

۱۳۹- در کدام گزینه کاربرد فعل «شد» متفاوت است؟

- (۱) به گرز گران دست برد اشکبوس
- (۲) چو رهام گشت از کشانی ستوه
- (۳) بر آهیخت رهام گرز گران
- (۴) کشانی هم اندر زمان جان بداد

۱۴۰- نوع پرسش در کدام بیت «استفهام انکاری» است؟

- (۱) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
- (۲) چه سازیم و درمان این کار چیست؟
- (۳) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
- (۴) که اکنون چه داری ز رستم نشان؟

۱۴۱- نوع «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) کمان به‌زه را به بازو فکند
- (۲) هم‌اکنون تو را ای نبرده سوار
- (۳) کشانی بخندید و خیره بماند
- (۴) همی رنجه داری تن خویش را

۱۴۲- در کدام گزینه صنعت ممال دیده می‌شود؟

- (۱) ز هیچ و پوچ بود تار و پود کوچ سراب
- (۲) غلام همّت دردی کشان یکرنگم
- (۳) ساقیا از شبانه مخموریم
- (۴) چون دیگران ز دل نیروی گر روی ز چشم

تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟
چه پرسى؟ کزین پس نبینی تو کام
به کشتن دهی سر به یکبارگی
چنان شد که گفتی ز مادر نژاد

به شست اندر آورده تیر خدنگ
خروش از خم چرخ چاچی بخواست
ز شاخ گوزنان برآمد خروش
گذر کرد بر مهره‌ی پشت اوی

گزين کرده يك چوبه تير خدنگ
نهاده بر او چار پرّ عقاب
به شست اندر آورده تير خدنگ
خروش از خم چرخ چاچی بخواست
ز شاخ گوزنان برآمد خروش

زمین آهنین شد سپهر آبنوس
بپیچید زو روی و شد سوی کوه
غمی شد ز پیکار دست سران
چنان شد که گفتی ز مادر نژاد

تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟
از ایران هم‌آورد این مرد کیست؟
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟
که کم باد نامش ز گردن کشان

به بند کمر بر بزد تیر چند
پیاده بیاموزمت کارزار
عنان را گران کرد و او را بخواند
دو بازوی و جان بداندیش را

مرو ز راه به آرایش جهان زنهار
نه آن گروه که ازرق لباس و دل‌سیه‌اند
از سرم باز کن بلای خمار
کاندر میان جانی و از دیده در حجب